

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل صفحه ۲

متن سخنرانی در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

## از آفتابکاران جنگل تا کنشگران زاینده رود

زینت میرهاشمی

صفحه ۷



در این شماره ...

صفحه ۹	زندگی ... فتح الله کیائیه
صفحه ۹	قیام زحمتکشان ... امید امیدوار
صفحه ۹	آتش آرمان خلق ... م. مهین
صفحه ۱۰	پیامها به مراسم گرامیداشت پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

برگزاری موفق پنجاه و یکمین  
سالگشت رستاخیز سیاهکل  
صفحه ۶

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



محمدرضا شاه که در سودای نابودی چریکهای فدایی دستور وحشیانه ترین سرکوبیها را به مزدورانش می داد، همواره از ناتوانی آنها در بستن پرونده «چریکهای فدایی» ابراز نارضایتی می کرد، زیرا هر تلاش ساواک شاه با وجود ضرباتی که بر پیکر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وارد می شد، ناکام می ماند. جنبش انقلابی مسلحانه با وجود سرکوبهای خشن راه پرفراز و نشیب رهایی را ادامه داد و با به سخره گرفتن اقتدار شاه و از جان گذشتگی، روانشناسی انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ داد و همزمان دیکتاتور را به استیصال کشاند.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

چند ماه پس از حماسه سیاهکل، خمینی جلال علیه این رویداد سترگ موضع گرفت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...»



موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارزه»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۷-۴۸۶)

با وجود صف بندی و لجن پراکنی مشترک ارتجاع اسلامی، حزب توده و حرافان بی عمل علیه جنبش مسلحانه، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی هشت سال مبارزه انقلابی و با پرداخت هزینه های سنگین در مبارزه بی امان با نهادهای سرکوبگر رژیم شاه، توانست پابرجا بماند و با وجود کمبودها و اشتباهاتش به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرا روید. پس از استقرار جمهوری اسلامی، گزافه گویان دست پرورده خمینی و گفتمان سازهای امنیتی تلاش می کنند جوهر و درونمایه حماسه سیاهکل را با تحویل مشتکی اراجیف وارونه جلوه داده و آن را سر و دم بریده، در قد و قواره تاریخ نگاری «انقلاب اسلامی» به جامعه تحمیل کنند.

هنگامی که در سال جاری یکی از بیدادگاههای رژیم از جمله دلیلهای محکومیت لایلا حسین زاده، فعال دانشجویی و زندانی سیاسی، به ۵ سال حبس تعزیری و دو سال منع فعالیت در فضای مجازی را سر دادن سرود «خون ارغوانها» ذکر می کند، وقتی در برخی از حرکتها اعتراضی در کف خیابان «سر اومد زمستون» خوانده می شود، وقتی هر ساله چندین مقاله، کتاب و فیلم علیه جنبش فدایی به بازار ارایه می شود، زمانی که ردیه نویسان وامانده و منحط هر سال در آستانه رستاخیز سیاهکل به فرموده فعال می شوند، چه نتیجه ای می توان گرفت جز این که گرمای آتشی که در سیاهکل برافروخته شده، هنوز هم در جان و هستی هر آزادیخواهی جاری است.

پنجاه و یک سال از روز دوشنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ (۸ فوریه ۱۹۷۱) می گذرد. در شامگاه آن روز که در بررسیهای تاریخی از آن به عنوان «نقطه عطف» یاد می شود، یک گروه کوچک پارتیزانی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل (استان گیلان) حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. این حرکت جسورانه رهگشای دوران جدیدی در جنبش رهایی بخش و جنبش کمونیستی مردم ایران بود. عمل جسورانه و بن بست شکنانه چریکهای گروه «جنگل»، ضربه ای جدی به فضای اختناق وارد کرد و با درهم شکستن گزاره «قدرت مطلق» رژیم شاه و «ضعف مطلق» مردم، آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید داد.

رستاخیز سیاهکل آذرخشی بود که با غرشی قدرتمند در شب تیره و تاریک زمین، جوشش و تلاطمی ایجاد کرد که تاثیر آن در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران تعیین کننده بود. این واقعیت را می توان از کشتهها و واکنشهایی که از آن زمان تاکنون از جانب دوستان و دشمنان خلق صورت گرفته درک کرد. این رویداد سترگ با استقبال پرشور آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می تپید، روبرو شد. شاهد این تحول پیوستن صدها آزادیخواه به جنبش پیشتاز فدایی، حمایت گسترده دانشجویان، روشنفکران، شاعران، هنرمندان و سپس کارگران آگاه از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در دهه پنجاه است. پیکارگران گروه جنگل که آفرینندگان آن آذرخش پرفروغ بودند، می خواستند سرنوشت مردم ایران را از تسلیم به شرایط به پیکار برای آزادی تغییر دهند. به گفته لئون تولستوی: «برای کشف اقیانوسهای جدید، باید شهامت ترک ساحل آرام خود را داشته باشید. این جهان، جهان تغییر است، نه تقدیر.» آنان که به پاسگاه سیاهکل حمله کردند و آن حماسه ماندگار را خلق کردند، این شهامت را داشتند که زندگی «آرام» را ترک کنند و ایران را وارد دوران «تغییر» کنند.

نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندر شد / شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد... روی شبگیر گران، ماشه خورشید چکید / کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد.» (فدایی شهید، سعید سلطان پور)

واکنش هراس آلود رژیم شاه نشان داد که دگرگونی برای تغییر آغاز شده و دستگاه امنیتی حکومت این را به خوبی درک کرد. طی عملیاتی که از ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ تا حدود ۲ اسفند همان سال جریان داشت، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی در جنگلهای گیلان به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی



فاضلی، عباس دانش بهزادی، اسماعیل معینی عراقی و هوشنگ نیری دستگیر و در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه به اعدام محکوم شدند. قلبهای عاشق و جوان آنها در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال در میدان چیتگر آماج گلوله های جوخه اعدام شاه جلا داد شد. این اعدام دسته جمعی و بی سابقه تا آن زمان، نه تنها نتوانست آذرخش رستاخیز سیاهکل را خاموش کند، بلکه آن را به تندر تبدیل کرد.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و عقیدتی و از تلاش برای به نتیجه رسیدن دادگاه حمید نوری (عباسی) در سوید حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

### خروش مردم به فلاکت کشیده شده!

در نتیجه حاکمیت تبهکاران و با سیاستهای غارتگرانه نظام، جامعه و کشور بحرانی ترین لحظات حیات خود را می گذراند. تمامی عاملهای کلان در اقتصاد، سیاست و جامعه نشان دهنده آن است که این بحران در تار و پود کشور جاری شده است.

ستیز بین مردم ایران و استبداد دینی حاکم در ابعاد کلان تشدید شده و کارگزاران نظام برای حفظ رژیم جمهوری اسلامی ابزاری جز سرکوبی مردم و صدور تروریسم و بنیادگرایی ندارند. تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روینای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با جهان پیرامون (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است. در تاریخ صد ساله کشور ما، هیچگاه تضادهای اساسی جامعه به این میزان عمیق و درهم تنیده نبوده است.

رویدادهایی که هر روز در مقابل چشم مردم به ستوه آمده خودنمایی می کند، نشان می دهد که حاکمیت توان و ظرفیت غلبه بر بحرانهای عمیقی که هر روز عمق و وسعت می گیرد را ندارد. نگرانی اصلی حاکمان تبهکار نه زندگی روزمره مردم، که حفظ نظام ثروت و قدرت از طریق سرکوبی بیرحمانه و چپاول بی حد و مرز است. بیش از ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی مشقت بار خود را می گذرانند، بیکاری و گرانی بیداد می کند و منابع و داراییهای کشور به وسیله رژیم به طور کلنگی به حراج گذاشته شده است. سرمایه داران آنکل و غارتگر، شرکتیهای پیمانی، بازار غارتگرانه بورس، سپاه منفور پاسداران و مراکز ترویج و تبلیغ ارتجاع که به وسیله مشتی آخوند مرتجع و بیرحم اداره می شود، سرنوشت مردم این مرز و بوم را به بازی گرفته اند. در حالی که حاکمیت برای تامین اولیه ترین نیازهای مردم ایران هیچ اقدام موثری انجام نمی دهد، ثروتهای غارت شده به طور میلیاردری از کشور خارج می شود و میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی به کشورهای دیگر می گردد.

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد

حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۲

سیاست ابلهانه پیروان معتقد و شرمگین خمینی «این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «نان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در می آید، «توفان شکوفه» می دهد و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر می شود.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و دومین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در پای چوبه های دار، در پیکار رو در رو با دشمن در شهر و روستا و در زندانهای شاه و شیخ، در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرامی می دارد.

ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند را گرامی می داریم.

ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه آنانی که در اعتصاب غذا به سر می برند، هستیم.



گردهمایی در دانشگاه تهران ۱۹ بهمن ۱۳۵۷  
به مناسبت حماسه و رستاخیز سیاهکل

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۳

مردم فریاد می‌زنند: «دشمن ما همین جاست»، «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» و کارگزاران پلید حکومت و در راس آن خامنه‌ای، با کمکهای بی دریغ برای نجات بشار اسد تلاش می‌کنند.

حکومت در یکی از سیاه‌ترین دوره‌های حیات اقتصادی کشور، برای تامین کسری بودجه و در کنار آن دستبرد به جیب مردم، مشارکت در بازار بورس را تبلیغ و ترویج می‌کند و هر روز به گونه مضحکی از رونق این قمارخانه بیرحم آمار ارایه می‌دهد. همزمان بانکها به شیوه‌های مختلف از بانک مرکزی پول دریافت می‌کنند و بدین وسیله به رشد بی‌دنده و ترمز اندوختگی کمک می‌رسانند. کانال تلگرام خبر فوری در روز یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ در گزارشی اعلام کرد: «آمارها نشان می‌دهد دولت سیزدهم میراث‌دار شرایط دشواری است که عدم کنترل بمبهای ساعتی آن می‌تواند تبعات و پیامدهای جدی از مسیر افزایش پایه پولی و نقدینگی و سپس تورم داشته باشد؛ وضعیتی که مستقیماً رفاه و معیشت مردم را هدف قرار داده است. شاهد این ادعا خلق ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در ماه یا به عبارتی نزدیک به ۴ هزار میلیارد تومان نقدینگی در روز است. بررسی [روزنامه] فرهیختگان نشان می‌دهد، ادامه روند افزایش لگام گسیخته نقدینگی حاکی از آن است که تا پایان سال ۱۴۰۲، نقدینگی ۲ برابر شده و تورم افسارگسیخته بیشتری در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۴، با ۲۵۰ درصد افزایش نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۰، به حدود ۱۵۴۵۹ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد، این بدان معناست که خلق روزانه نقدینگی در سال ۱۴۰۴ به ۱۱ هزار میلیارد تومان خواهد رسید؛ رقمی که در حال حاضر نزدیک به ۳۶۰۰ میلیارد تومان است.»

این چنین رشد بی‌محابای اندوختگی افزایش زیاد تورم را نوید می‌دهد و اگر اکنون تورم در حدود ۴۶ درصد نوسان می‌کند، شاهد افزایش سرسام آور تورم و در نتیجه افزایش تصاعدی قیمت‌ها خواهیم بود که خروجی آن گشاده شدن ۷۰ درصد جامعه به فلاکت، تنگدستی و گرسنگی خواهد بود.

مردم به فلاکت کشیده شده‌اند اما تسلیم نشده‌اند و روزانه با حرکت‌های اعتراضی خود رژیم را به چالش می‌کشند. حکومت قادر نیست به شکل گذشته ادامه حیات دهد و مردم نیز نمی‌خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. این دو مولفه بحران و شرایط انقلابی و یا بحران غیرقانونی است که به طور روزانه خود را نشان می‌دهد. پس از خروش قدرتمند تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶ و به دنبال قیام پرتوان اقصای گوناگون مردم، به ویژه تهیدستان و فرودستان در هفته آخر آبان ۱۳۹۸، سال جاری نیز همچون سالهای اخیر آکنده از هزاران حرکت اعتراضی و خیزش توده‌ای گردید. ما به طور روزانه در «جنگ خبر»، به طور هفتگی در «رادیو پیشگام» و به طور ماهانه در نشریه «نبرد خلق»، این حرکت‌های اعتراضی را پوشش داده‌ایم. خیزش مردم اصفهان که با فراخوان کشاورزان متحصن در روز آدینه ۲۸ آبان و ۵ آذر سال جاری صورت گرفت، مهمترین و بی‌سابقه‌ترین حرکت اعتراضی در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بود.

اعتراضها به اشکال مختلف (خیزش و قیام شهری، اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و...) از جانب کارگران، معلمان، کشاورزان، کارمندان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین، دانشجویان، فعالان محیط زیست، غارت شدگان، اصناف و بازاریان،

دستفروشان، خانواده‌های زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی اجتماعی صورت گرفته است.

ناراضیاتی و تنفر از حاکمیت زیر پوست شهرها همچنان می‌جوشد و تردیدی نیست که انقلاب نمرده و دیر نیست روزی که «زنگ خون به صدا» درآید و «توفان شکوفه» دهد. این روز را خمینی به خوبی این چنین توصیف کرده است: «بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل شود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام الله» - خدای نخواست - باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می‌خوانند!» (صحیفه خمینی، ج ۱۴، ص ۳۸)



## یکدست سازی فلج شده نظام

ابعاد عظیم جنبش مردمی به اضافه فشار خارجی، تضادهای درون قدرت را آنچنان تشدید کرده است که در سال آخر ریاست حسن روحانی، با دامنه یافتن کشمکش باندهای درونی حکومت، برخی از تحلیلگران و مفسران از برکناری وی حرف می‌زدند.

در چنین شرایطی که خامنه‌ای، بهتر از هر کس از عمق بحران با خبر است، «دولت جوان حزب الهی» را راه حل نظام برای غلبه بر بحران اعلام می‌کند. در بیانیه سال پیش که در روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ منتشر شد، ما اعلام کردیم که: «خروجی این راه حل که می‌توان آن را مشابه دوران احمدی نژاد ارزیابی کرد، به معنای سلطه پاسداران، امنیتیها، مداحان و لومپنها بر تمامی ارکان حکومت و منقبض شدن بیشتر حاکمیت و سرکوب عریان تر مردم است. اکنون که خامنه‌ای موفق شده یک دزد سرکوبگر را در راس مجلس جاگذاری کند و یک جلاذ منفور را در راس قوه قضاییه بگمارد، قصد دارد با شعبده بازی، یک پاسدار جنایتکار و یا یک شکنجه گر را از صندوق نمایش انتخابات ریاست جمهوری بیرون آورد.»

شعبده بازی خامنه‌ای در روز آدینه ۲۸ خرداد با فضاحتی بی‌سابقه و با تحریم اکثریت قاطع مردم روی صحنه رفت و بر تابلو وزارت کشور نام عامل قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان برنده ثبت شد. آش این نمایش آن چنان شور بود که صدای آسپهان آن هم درآمد. در حالی که رسانه‌های حکومتی در حوزه‌های سوت و کور با ریاکاری و به فرموده ولی فقیه از «حماسه» دم می‌زدند، جامعه شگرف‌ترین گنش سیاسی خود به نام «تحریم» را به ثبت می‌رساند و رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۵۰ درصد

صاحبان حق رای در این نمایش شرکت نکرده، ۷۰ درصد آنان به فرد منصوب شده از جانب «مقام معظم» نه گفته‌اند، آرای باطله رتبه دوم را پیدا کرده و از همه چشمگیر تر، بی‌محل بیش از ۹۰ درصد به کاندیدای اصلاح طلبان حکومتی بود. باید توجه داشت که ارقام ذکر شده، بر اساس آمار تنظیم شده، جعل شده و چند برابر شده حکومت است و ارقام واقعی بسی بیشتر از آن است.

اکثریت اصلاح طلبان حکومتی و پادوهای آنان در اپوزیسیون و اعضای باند کارگزاران، سوار بر مرکب «کلاب هاوس» به شکل چندش آوری بین «دو حسینی» ارشاد و جماران» سرگردان بودند و نمی‌دانستند که در اعماق جامعه چه می‌گذرد. آنان اخبار رسانه‌های

مجازی و موج بی‌نظیر درخواست تحریم را نادیده می‌گرفتند و با دروغهای مضمّن کننده اعلام می‌کردند؛ کسانی در همسویی با «بن سلمان، نتانیاهو و ترامپ» از تحریم دفاع می‌کنند.

تحریم سراسری انتخابات ترجمان مادی و عملی شعار «اصلاح طلب، اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا» است. توده معترض به این وسیله نشان داد که امکان اصلاح یا تغییر شرایط موجود را در چارچوب رژیم ولایت فقیه منتفی می‌داند و راه خود را فراروی بیراه‌های حکومتی از هر جنس و با هر رنگ می‌جوید.

برای نخستین بار در تاریخ رژیم ولایت فقیه، تحریم انتخابات آن به یک جنبش عمومی تبدیل گردید که از دل خیزشهای اعتراضی، اعتصاها و اعتراضهای شهری و روستایی بیرون آمد و بدین سبب مضمون جهتگیری اش سرنگونی طلبی و شکل مبارزه اش رادیکال بود.

اما یکدست سازی حکومت نه‌آبی برای ولی فقیه گرم کرد و نه نانی به سفره مجاله شده مردم آورد. ولی فقیه که وفادارترین کارگزاران نظام مثل علی لاریجانی را به تیغ جراحی در نظام سپرده بود، خیلی زود دریافت که از جراحی ولایتش و خونی که از پیکر آن ریخته شده، حاکمیتی ضعیف تر، ناکارآمد تر و فرسوده تر از گذشته سر برآورده است. فاکتهای بسیاری وجود دارد که فلج شدن یکدست سازی و ضعیف تر شدن حاکمیت را نشان می‌دهد. رسانه‌های حکومتی هر روز ابعاد بحران و ناکارآمدی و ضعف را پوشش می‌دهند.

بقیه در صفحه ۵

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۴

## ادامه همه گیری فاجعه بار ویروس کرونا

دنیایگیری ویروس کرونا (کوید ۱۹) همچنان ادامه دارد و زندگی دهها میلیون از شهروندان جهان را به مخاطره انداخته است. جای خوشحالی است که با پیشرفتهای علمی و ساخت واکسنهای معتبر و مورد تایید سازمان بهداشت جهانی، این ویروس خطرناک به میزان بسیاری در جهان مهار شده است.

گرچه غلبه بر این فاجعه کلان هنوز به صورت کامل تحقق پیدا نکرده، اما خصلت این دنیایگیری در ایران، اتحاد و پیوند آن با منافع نظام حاکم است. هفته پیش وزیر بهداشت رژیم ورود به موج ششم همه گیری کرونا را اعلام کرد. جمهوری اسلامی از کرونا به مثابه یک فرصت برای جلوگیری از شورش، جنبش، خیزش و قیام استفاده می کند، به همین دلیل نیز از ابتدا به انکار و دروغ پردازی در باره آن پرداخت و سپس حاضر نشد از داراییهای غارت شده کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس و درمان مردم مبتلا هزینه کند. مردم ایران فراموش نمی کنند که خامنه ای روز سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۸، در مورد همه گیری ویروس کرونا گفت: «مسأله یک مسأله گذراست، یک چیز فوق العاده نیست... خیلی هم بزرگش نکنیم». خامنه ای بود که در همان سخنرانی، کرونا را «یک دستاورد» «نعمت» و «فرصت» توصیف کرد. در فرازی دیگر از فرمانهای ضد انسانی او در روز آدینه ۱۹ دی ۱۳۹۹ اعلام کرد: «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است». همو بود که در همین سخنرانی گفت: «واکسنی که برای کرونا آماده شد این مایه افتخار است، این را انکار نکنند، این مایه عزت کشور، مایه افتخار کشور است.»

بر اساس گزارشهای گوناگون تاکنون دستکم نیم میلیون تن در سراسر کشور در پی ابتلا به ویروس کرونا جان باخته اند. با وجود پنهان سازی کشتار کرونا از سوی حاکمیت، مدتهاست که ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است.

روز شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰، دکتر مسعود یونسیان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت و گو با روزنامه «ستاره صبح» گفت «آمارها به شکل سیستماتیک بسیار کمتر از واقعی موجود است... می توان گفت آمار واقعی حدوداً ۲۰ برابر آن چیزی است که گزارش می شود.»

به گزارش روز آدینه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰، جهان صنعت نیوز، سید حسین سراج زاده، از کارشناسان حکومتی و رئیس انجمن جامعه شناسی، در هشدار به دولت روحانی گفت: «تعداد مبتلایان و فوتیها که وزارت بهداشت رسماً اعلام می کند، صحیح نیست. پنهانکاری دولت در این زمینه یک نقطه ضعف دیگر بر عملکردش محسوب می شود... دولت به خاطر فشارهای اقتصادی قرنطینه را شکست در صورتی که بهتر بود دولت این مسئولیت خطیر را به عهده می گرفت و با منابع مالی مختلفی که در اختیار داشت به یاری تک تک مردم می شتافت... می توان پیش بینی کرد با ترکیب فشارهای اقتصادی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موج تازه ای از نارضایتیها ایجاد خواهد شد. اگر دولت در سیاستهای بازنگری نکند. مردم همانند آتش فشان، در حال فوران هستند.»

روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ روزنامه های اطلاعات، همشهری، جمهوری اسلامی، دنیای اقتصاد، شرق، اعتماد، سازندگی و هفت صبح با سرمقاله مشترک تحت عنوان «فرصت را از دست ندهید» منتشر شد. در این سرمقاله «مهم ترین و حیاتی ترین موضوع زندگی این روزها»، این گونه بیان شده که «تامین و توزیع واکسن باید اولین مأموریت همه دستگاههای حاکمیتی باشد». در سرمقاله ۸ روزنامه وابسته به اصلاح طلبان حکومتی دروغی که بارها بی پایه بودن آن برملا شده را تکرار کرده اند که گویا «تجریمها» بر «میزان کارکرد نهادهای متولی سلامت جامعه» تاثیر داشته است. آنها در باره حکم ظالمانه و ضد انسانی خامنه ای مبنی بر ممنوع بودن خرید واکسن آمریکایی و انگلیسی کلامی ننوشته اند. اما تحت فشار واقعیتها مجبور شده اند اعتراف کنند که «بخش خصوصی نیز عدم توفیق خود را در حوزه واردات نه به دلایل خارجی بلکه به موانع داخلی نسبت می دهد.»

بخشی از چگونگی مدیریت تبهکارانه کرونا در اعترافهای علیرضا زالی، سرکرده ستاد مدیریت کرونا در تهران، که در روز چهارشنبه ۲۰ مرداد رسانه ای شد، بازتاب یافته. وی گفت: «هزینه داروهای کرونا چند برابر واردات واکسن شده است، اما اجازه خرید واکسن ندادند چون فکر می کردند گران است... کمکهای جهانی و پزشکان بدون مرز از فرودگاه برگردانده شد، در حالی که اطلاعات چندانی درباره ویروس نداشتیم و از مشاوره های بین المللی استفاده نکردیم... وقتی کارشناسان سازمان جهانی بهداشت به ایران آمدند، ما به جای مشورت با آنها مدام از آنها می خواستیم در رسانه ها از نظام سلامت ایران تعریف کنند. ما آمارهای مرگ و میر را از سازمان جهانی بهداشت پنهان کردیم.» (کانال تلگرام تجارت نیوز)

به دنبال گسترش انزجار و تنفر از حکم ضد انسانی خامنه ای و پس از بی نتیجه بودن واکسن داخلی و در شرایطی که خواست خرید فوری واکسن کرونا به یک مطالبه عمومی تبدیل شده بود، حاکمیت به دنبال یکدست شدن مجبور به وارد کردن مقداری واکسن معتبر شد. با این وجود هنوز تعدادی کمی از ایرانیان، کمتر از ۲۰ درصد، به طور کامل (سه دوز) واکسینه شده اند.

مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه «جمهوری اسلامی»، روز یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، در این روزنامه نوشت: «برای حل قطعی مشکلات باید قدرتهای مالی بزرگی به صحنه بیایند که از تمکن بسیار بالایی برخوردارند و اموال آنها متعلق به مردم است. این قدرتها عبارتند از ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی. امکانات و منابع مالی گسترده ای که در اختیار این مراکز وجود دارند اگر به عرصه کمک به اقشار آسیب دیده از کرونا آورده شوند، مشکلات این اقشار در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل برطرف خواهد شد. آنها اگر پولهای را که در اختیار دارند برای نجات مردم مستضعف خرج نکنند، فلسفه وجودی شان را چگونه می خواهند توجیه کنند؟»

این حرف که منابع مالی نهادهای تحت کنترل خامنه ای قادرند «در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل» مشکلات اقشار آسیب پذیر را حل کنند از قلم کسی جاری می شود که طی چهل و یک سال گذشته از کارگزاران مورد اعتماد نظام بوده است. این همان واقعیتی است که ما بر آن تاکید می کنیم و بارها گفته و می گویم که رژیم منابع مالی برای غلبه بر این ویروس و بسیاری بحرانهای دیگر در اختیار دارد و نباید پول نقد در اختیار آن گذاشته شود، چرا که پول نقدی که رژیم از فروش نفت به دست می آورد، صرف اموری می شود که به زندگی، سلامت و معیشت اکثریت قاطع مردم ربطی ندارد.



## چشم انداز تحول، وظایف اساسی، تکالیف عمده

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان کمونیستی، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می دهد.

ما در ارزیابیها و تحلیلهای درونی و بیرونی خود و بر اساس شرایط مادی که بر بستر آن خیزش بی چیزان، تهیدستان و تحقیر شدگان عمق و وسعت گرفت، شرایط کنونی را «بحران غیرقانونی» و یا «بحران انقلابی» ارزیابی کرده و تمام فعالیت تبلیغی و ترویجی ما پیرامون همین مسأله متمرکز است. درستی این ارزیابی با برافراشته شدن پرچم قیامها، خیزشها و جنبشها طی یک دهه اخیر اثبات گردیده است. بدون شک برای همه آزادیخواهان رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و فرودستان، موجب خرسندی و امید شده است.

\* ما در شهریور ماه سال ۱۳۸۲، همزمان با تشدید بحران خارجی رژیم تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که ازاد ازاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفتیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی - مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر - و... بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنوشتی رژیم.»

\* ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، دانشجویان، غارت شدگان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن پشتیبانی می کنیم.

\* سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خود را همبسته با مبارزه مردم عراق و لبنان برای دموکراسی، عدالت و قطع مداخله گری رژیم جمهوری اسلامی می داند و این مبارزات را بخشی از جنبشهای همگانی در سطح منطقه خاورمیانه علیه بنیادگرایی اسلامی، تجاوزگری و مداخله جویی خارجی می انگارد.

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۵

\*ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می خواهیم که: کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران را برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان به رسمیت شناسند.

\*مذاکرات جاری در وین هر سمت و سویی پیدا کند، در این حقیقت هیچ تغییری نمی دهد که پروژه هسته ای جمهوری اسلامی علیه منافع عالی مردم و کشور ایران است. از این رو «ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات اتمی رژیم ایران می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسان در این زمینه، باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.» (پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل، چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹)

\*خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک و استقرار یک نظام دمکراتیک و عرفی در ایران است. برای تحقق این خواست تاریخی مردم ایران است که ما از آلترناتیو شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در این شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

\*ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

\*سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دمکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»  
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای،  
زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی  
زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ / ۶ فوریه ۲۰۲۲

## برگزاری موفق پنجاه و یکمین سالگشت رستاخیز سیاهکل

عصر روز یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ برابر با ۶ فوریه ۲۰۲۲، پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل به صورت زنده در شبکه جهانی زوم و در بیش از صد صفحه فیس بوک، با شرکت صدها تن از ایرانیان آزادیخواه برگزار شد.

برنامه با بخش نماهنگی ساخته شده توسط کوشندگان همراه سازمان آغاز شد و آنگاه رفیق کامران عالمی نژاد به حضار خوش آمد گفت و در پایان «همنفس با جانهای گرمی که در آن بهمن سرد شعله برافروختند و به یاد جانباختگان آبان و رفقای زندانی» یک دقیقه سکوت اعلام کرد. وی در مورد برنامه همایش گفت: «محور همایش امشب سخنرانی رفیق زینت میرهاشمی است. همچنین چند نماهنگ زیبا و سروده خوانی خواهیم داشت. ما همچنین بخشی خواهیم داشت با نام "میز حضار" که دقایق آن به شما تعلق دارد. شما می توانید در این بخش دیدگاه ها، پیشنهادها و نقدهای خود را در باره موضوع سخنرانی به طور شفاهی یا کتبی با جمع در میان بگذارید.» متن کامل سخنان آغازین در شماره ویژه نبرد خلق منتشر خواهد شد.

در ادامه برنامه چکیده ای از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به این مناسبت توسط رفیق کامران خوانده شد و پس از آن نماهنگ سرود «رود» به نمایش درآمد.

سپس سخنرانی رفیق زینت میرهاشمی، عضو کمیته مرکزی سازمان و سردبیر ماهنامه نبرد خلق، با عنوان «از آفتابکاران جنگل تا کنشگران زاینده رود» آغاز و به مدت ۳۵ دقیقه ادامه یافت. متن کامل سخنان رفیق زینت در شماره ویژه نبرد خلق منتشر خواهد شد.

آنگاه رفیق فتح الله کبائیه یکی سروده های خود با نام «زندگی» را خواند.

در این همایش، دو سرود «ضیافت» و «من و تو» از آثار کارگاه هنر ایران توسط رفیق فریدون رضائی اجرا شد. همچنین رفیق امید امیدوار یکی از سروده های انگیزاننده خود را خواند.

اسامی پیام دهندگان به همایش که تا لحظه شروع برنامه دریافت شده بود توسط رفیق امیر ابراهیمی به اطلاع حضار رسید. وی گفت: «ضمن تشکر از همه آنان به دلیل کمبود وقت فقط به ذکر نام پیام دهندگان اکتفا می کنیم. خلاصه کردن پیام ممکن است بیان کامل نظردهندگان نباشد، متن کامل پیامها در شماره ویژه نبردخلق به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد سیاهکل بزودی منتشر خواهد شد.»

یک اثر ارزنده نقاشی از طرف یار وفادار سازمان، آقای محمد قربانی، نیز به همایش اهدا شده است که به رویت حضار نیز رسید.

سپس نوبت به شرکت کنندگان در همایش رسید که میکروفن را به دست بگیرند. از آنها دعوت شد که دیدگاهها و نظرات خودشان را در باره دو محور سخنرانی رفیق میرهاشمی یعنی «رستاخیز سیاهکل و جنبشهای اجتماعی در ایران» به طور فشرده در حد اکثر سه تا پنج دقیقه با جمع به اشتراک بگذارند. در این بخش تعدادی از حضار به طرح دیدگاه خود پرداختند و برخی نیز شعر و سرود خواندند و یا به طور کتبی نظر خود را در بخش

## به همایش پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل خوش آمدید!

خانمها، آقایان، دوستان و رفقا

من، کامران عالمی نژاد، حضورتان را در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل و بنیانگذاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خوش آمد می گویم.

امسال کاشته شدن آفتاب سرخ انقلاب در زمستان ۴۹ را در شرایطی به یاد می آوریم که بهار اجتماعی مردم ایران دمیده است و بر پهنه میهن عطر صدای رادیکال و شورانگیز عدالت و آزادیخواهی می پیچید. این همان فصل مشترک تاریخی است که اصفهان، اهواز، زاهدان، تبریز و سنجند را به سیاهکل و بسا پیشتر از آن، به انقلاب مشروطیت پیوند می دهد. آری، هر اندازه که بتوان به گذشته نگاه کرد، به همان اندازه هم می توان به جلو نظر انداخت.

چریکهای فدایی دریا دل بودند، اما دل به دریا نزدند. آنها تکیه زده به تاریخ میهن و مطالبه های تاریخی مردمانش، تعمق کردند، اندیشه ورزیدند، سازمان دادند، طرح ریختند و آنگاه به حرکت درآمدند. شجاعت و دلیری آنها را به نبردهای مسلحانه نمی توان مختصر کرد، بزرگترین جسارت و شهامت فداییان پاسخ دادن سیاسی و نظامی به پرسشهای بی جواب مانده ای بود که در برابر نیروهای آگاه و پیشرو جامعه قرار داشت.

آنها پنجره ای را به سوی هوای تازه، به سوی یک امکان تازه برای تاثیرگذاری و تغییر گشودند که تمامی رویدادهای مبارزاتی و انقلابی دهه پنجاه از قاب آن راه به سوی واقعیت و شکل گیری باز کرد.

همنفس با جانهای گرمی که در آن بهمن سرد شعله برافروختند و به یاد جانباختگان آبان و رفقای زندانی یک دقیقه سکوت می کنیم.

\*\*\*\*\*

«چت» منتشر کردند که به علت کمبود وقت تعدادی از آنها خوانده شد.

آنگاه ویرایش جدیدی از بخشی از سروده قدیمی و خاطره انگیز «آرش کمانگیر»، از آثار زنده یاد سیاوش کسرایی، با صدای خانم شیدا ناصر زاده بخش شد. استاد محمد شمس این اثر را به طور هنرمندانه ای تنظیم جدید کرده است.

در بخش بعدی نماهنگی در معرفی مستند «سمفونی پویان» بخش شد.

طبق سنت هر سال، سرود جاودان «انترناسیونال» آخرین بخش همایش بود.

با سپاس دوباره از حضور ایرانیان آزادیخواه در این همایش و با آرزوی پیروزی و بهروزی برای مردم ایران

(فیلم کامل همایش را می توانید در آدرس زیر مشاهده کنید. فیلم همچنین در صفحات مختلف فیس بوک نیز قابل دسترسی است:

<https://www.youtube.com/watch?v=XhdCykclOiy>

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ - ۷ فوریه ۲۰۲۲

متن سخنرانی در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

## از آفتابکاران جنگل تا کنشگران زاینده رود

زینت میرهاشمی

یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ / ۶ فوریه ۲۰۲۲

با درود و تشکر از شما که ما را در این روز همراهی می کنید.

درود به همه مادران، داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد، به زنان و مردان زندانی سیاسی، به کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان و جوانان که علیه تبعیض و ظلم به پا خواسته اند. درود به همه آنهایی که رژیم سفاک و تبهکار حاکم بر ایران زمین را برنتابیده و در هر فرصتی علیه آن شوریده اند. درود به شورشگران که پیروزی بر تباهی را نوید می دهند.

ما امروز می خواهیم یاد و رسم انسانهایی را زنده نگاه داریم که تباهی و مرگ از درگاه بلند خاطره آنان شرمسار و سرافکننده گذشت. ما جمع شدیم که با هم سالگرد کاشفان فروتن را که در برابر تندر ایستادند و خانه را روشن کردند و جانشان را برای نگاه داشتن مشعل مبارزه برای آزادی، عدالت و سوسیالیسم فدا کردند پاس داریم. به راستی باید گفت که نامتان ای آفتابکاران جنگل از زمزمه نیمه شب مستان گذشت، به تاریخ وارد شد، افتخار آفریدید، ماندگار و جاودانه شدید.

و امروز به درستی می بینیم که آن رفقا آخرین شقایق جنگل خونین مبارزه نبودند و راه آنان ادامه دارد. آفتابکاران جنگل در قیامهای پر شکوه مردمی، بازتولید و تکثیر شده است. مبارزه و شورش علیه بی عدالتی، تبعیض، استثمار، بردگی، استبداد دینی و در یک کلام مقاومت علیه وضع موجود خود را نشان می دهد.

حماسه و رستاخیز سیاهکل در عزم جنبش برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و ساختن ایرانی دموکراتیک، آزاد، جدایی دین از حکومت همراه با عدالت اجتماعی خود را نشان می دهد. از این جهت ما امروز می توانیم جوهر حماسه سیاهکل را در خروش جنبش رنگین کمان بیشماران ببینیم. در خروش قیام آفرینان دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸، در خروش کشاورزان و مردم اصفهان، و در دهها خیزش و قیام در کف خیابان بیبینیم. برای هر آزادیخواه ایرانی جای بسی خرسندی و افتخار است که زنان و مردان ایران زمین مبارزه برای رهایی را با پذیرش تمام هزینه های آن انتخاب کرده اند.

البته امروز شرایط با ۵۱ سال پیش متفاوت است اما آرمان آزادی، برابری و عدالت همچنان تحقق نیافته است. بر این مبنا است که ما خود را ادامه دهنده آن راه می دانیم. طبیعی است که مسایلی که امروز در برابر ما قرار دارد پاسخهای مشخص خودش را می خواهد. اما آرمان آزادی و شورش علیه نظم بیدادگرانه نقطه مشترک دیروز و امروز ماست. بنابراین ما با کوله باری از تجربه و ارزشهای آفریده شده آن رویداد بزرگ به مسایل امروز می پردازیم.

برای پرداختن به امروز، قبل از هر چیز باید از کیهکشان پر از ستاره آسمان ایران زمین که رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه آن را به بند کشیده سخن گفت.

درود و افتخار به همه شهدای جنبش ضد دیکتاتوری، سربدارشدگان از سال ۶۰ تا امروز و از قتل عام شدگان تابستان ۶۷ تا آنان که در خیابانهای گوشه و کنار میهن در بند با گلوله های مزدوران جمهوری اسلامی به

شهادت رسیدند، همه آنهایی که با دفاع از آرمانهای آزادیخواهانه خود، رژیم ولایت فقیه را که می خواست زندان را به ندامتگاه و کارخانه تواب سازی تبدیل کند، شرمسار و رسوای عالم کردند.

آنچه پیش از دی ماه ۹۶ در زیر پوست جامعه می گذشت، پس از آن به سطح آمد و هر روز استبداد دینی را به چالش می گیرد به راستی محکم تر از قبل بر تئوری سازشکاران همه فصول، که می گفتند و می گویند «مبارزه مرد، زنده باد سازش» و یا به بهانه خشونت پرهیزی، سازش را پیشنهاد می دهند یا از نامه نگاری و نصیحت دیکتاتور می خواهند رفتار مستبدانه رژیم را تغییر دهند، خط باطل کشیده و آنها را شرمسار می کنند.



این روزها در تب و تاب قیامها و شورشهای خیابانی علیه رژیم، شعارها و گفته های پر معنا و از آنهایی که در عمل انقلابی به قهرمانان توده ها تبدیل شدند بسیار زیاد شنیده می شود.

متأسفانه وقت نیست و گویه ها زیادند. از زنده یاد ستار بهشتی، گوهر عشقی، نوید افکاری و پویا بختیاری، تا شعارهای کشاورزان اصفهان در بستر خشک زاینده رود، همه اینها پر معنا و ماندگار در جنبش هستند.

از زنده یاد شاملوی عزیز برای آغاز کمک گرفتن و می خواهیم از گفته و توصیه زنده یاد بکتاش شاعر، مستند ساز و نویسنده متعهد که قربانی زنجیرهای جمهوری اسلامی شد برای شرمسار کردن آنان که طی ۴ دهه، با سازش با حکومت به تداوم استبداد کمک کردند، کمک بگیریم.

ایز حرفهای بکتاش، آبتیز، است که گفت: «بیهوده دنبال من، می گردی، هیچ ردیابی، نم، بین، من روی پاهای تو ایستاده ام» و در جایی دیگر تاکید کرد «وضعیت جامعه معاصر ما اینه که ما امروز به اندازه کاف، شاعر خوب داریم، فیلم ساز خوب داریم، هنرمند خوب داریم. چیزی که کم داریم اینه که به سری آدم وایستن، مبارزه کنن؛ به سری آدم وایستن، حق شونو بخوانن؛ به سری آدم وایستن و پایداری کنن، یایمردی کنن. فضیلت مبارزه و پایداری و یایمردی، حلقه مفقوده معاصر کشور منه. بدین ترتیب دوست دارم که همین امروز در جوانی، با اقتدار، جان شیرینم را فدا کنم.»

رزمندگان رستاخیز سیاهکل از مارکس آموخته بودند که به دنبال «تفسیر» جهان و هستی نباشند، بلکه به دنبال «تغییر» آن باشند. در همین گفته کوتاه زنده یاد بکتاش هم همین آموزه برجسته است. رمز و راز «حلقه مفقوده معاصر» چیزی جز پیکار برای «تغییر» نیست. این همان موضوعی است که برخی از مدعیان جریانهای فکری

کوشش می کنند تا آن را در زیر تلی از دگمهای نظری پنهان کرده تا برجسته نشود.

دوباره به اهمیت حماسه سیاهکل بر گردیم. آنهایی که جانشان را برای شناخت «حلقه مفقوده» و مبارزه برای «تغییر شرایط» فدا کردند و می کنند، انسانهای مقدس، مظلوم و ناآگاه به خطراتی که پیش رویشان است نبودند. مقدس کردن آنها از یک سو و به عنوان سرمایه سیاسی قرار دادن آنان از جانب دیگر، فرصت طلبی کامل است. آنها انسانهای زمینی بوده که به دنبال همان حلقه گمشده بودند.

سیاهکل آذرخشی بود که صحنه سیاسی جامعه ایران را به کلی دگرگون کرد و نام و نشان خود را بر تاریخ ایران زمین به عنوان یک نقطه عطف به ثبت رساند.

در پایان این بخش تاکید می کنم که تولد جنبش فدایی و چپ مستقل در ایران، تولد جنبش نوین کمونیستی ایران در برابر قدرت مطلق حکومت، کشف حلقه مفقوده برای محک زدن تئوری در عمل بود. هدف رزمندگان سیاهکل آزادی، استقلال، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم بود و برای تحقق این آرمانهای انسانی از همه چیز خود گذشتند و جانهای شایسته خود را فدا کردند.

ما در بیانیه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل که در بهمن سال ۱۳۹۰ منتشر شد اعلام کردیم: «معرکه گیران دربار خامنه ای و تئوریسینهایی که به نابودی چپ و بی بدیل بودن نو - لیبرالیسم عنان گسیخته ایمان آورده اند، می کوشند تا سیمای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ را مخدوش کنند. اما این تلاشهای مذبوحانه که آبشخور آن نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر شده، پنهان کند.»

و تاکید کردیم که: مردم «با خیزشهای حماسی خود پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآورده اند، آنهایی که با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر خامنه ای» و «زنده باد آزادی»، اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفته اند، آنها که برخلاف سازشکاران و فرصت طلبان دل به تغییر و تحول از درون نظام ولایت فقیه نبسته اند، آنهایی که تن به حقارت ندادند و بر طناب دار بوسه زدند، درس حماسه سازی رستاخیز سیاهکل را به روز کردند.» (همان جا)

## اکنون به کنشگران زاینده رود می پردازم

توفان خشم توده های مردم از دی ماه سال ۹۶ تا امروز به اشکال گوناگونی بروز کرده است. اعتراضهای مطالباتی محدود در واحدهای مختلف، حرکتهای اعتراضی گسترده در کف خیابان، برای نمونه خروش سراسری معلمان در روزهای گذشته، خیزشهای توده ای در شهرهای مختلف و یا سراسری که مهمترین آن قیام سراسری در آبان ۹۸ و خیزش مردم خوزستان برای آب، قیام مردم بهبهان و خیزشهای دیگر بود.

بقیه در صفحه ۸

## متن سخنرانی در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۷

جنبشهای اجتماعی در ایران شامل حرکت‌های اعتراضی کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، ملیتها، جوانان، ییکاران، فعالان سیاسی و مدنی پیکر واحدی را تشکیل می‌دهند که خواسته‌های برحق آنان با دیوار ضخیم سرکوب رژیم روبرو می‌شوند. در سال گذشته شاهد دستکم ۲۷۴۴ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار در سراسر کشور بودیم. برای اولین بار موضوع تحریم نمایش انتخابات در کف خیابان و به وسیله یک جنبش اجتماعی توده‌ای مطرح شد.

**با گذر از هزاران جنبش، شورش و قیام در کهکشان پرستاره و زیبای ایران و پس از ۵۱ سال پیکار برای رهایی، از آفتابکاران جنگل به کنشگران زاینده روز می‌رسیم.**

کشاورزان اصفهان طی سالهای گذشته برای به دست آوردن حق مسلم و انکار ناپذیر خود بارها اقدام به تجمع و راهپیمایی کردند. شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست" و شعار "پشت به دشمن رو به میهن" برای اولین بار از زبان کشاورزان اصفهان شنیده شد.

سرنجام در ماه آبان سال جاری این کشاورزان در بستر خشک زاینده رود دست به تحصن زدند که مورد حمایت گسترده اقشار مختلف مردم اصفهان قرار گرفت.

بستر زاینده رود به کانون خروش علیه بی‌عدالتی تبدیل شد. در فرازی از این حرکت توده‌ای، کشاورزان برای روز آدینه ۲۸ آبان فراخوان به گردهمایی دادند. این گردهمایی با شرکت پرشکوه چند صد هزار نفر از اقشار گوناگون مردم اصفهان برگزار شد. در این روز زنگ خطر برای رژیم به صدا درآمد. تجمع ۲۸ آبان در جایی صورت گرفت که رژیم هیچ بهانه‌ای برای سرکوب آن نداشت. اما وقتی کشاورزان برای هفته بعد، روز آدینه ۵ آذر، فراخوان به گردهمایی در همان محل دادند. حدود ۲۴ ساعت پیش از فرارسیدن زمان گردهمایی، مزدوران خامنه‌ای به محل تحصن حمله کرده و چادرهای کشاورزان را به آتش کشیدند.

حکومت با بسیج نیروهای سرکوبگر و اعلام منع تردد در خیابانهای شمال و جنوب رودخانه تصمیم گرفت که مانع گردهمایی مسالمت آمیز مردم شود و همین باعث شروع قیام ۵ آذر در گوشه و کنار شهر اصفهان شد. سرکوبگران با گلوله‌های ساچمه‌ای به مردم قیام‌کننده شلیک کرده و به چشم دهها نفر اسید رساندند و تعداد زیادی از مردم را بازداشت کردند. یکبار دیگر دیکتاتور اعلام کرد که هیچ گردهمایی مسالمت آمیزی را تحمل نخواهد کرد.

اما از داده‌های آماری که بگذریم نکته مهم اینست که بازیگران صحنه سیاست، مداخله‌گران و کنشگران سیاسی اجتماعی، و نیروهای پیشتاز چه راهکاری در برابر شرایط امروز که اکثر مطلق فعالان دنیای سیاست از آن به اسم بحران انقلابی یاد می‌کنند، دارند.

لنین در کتاب «سقوط اترناسیونالیسم دوم» سه ویژگی در مورد موقعیت انقلابی را توضیح می‌دهد. او می‌نویسد:

«برای یک مارکسیست مسلم است که یک انقلاب بدون موقعیت انقلابی امکان‌ناپذیر است؛ از این گذشته، هر موقعیت انقلابی منجر به انقلاب نمی‌شود. به‌طور کلی نشانه‌های یک موقعیت انقلابی چیست؟ قطعاً اشتباه نخواهیم کرد اگر به سه نشانه اصلی تأکید کنیم:

۱) زمانی که برای طبقات حاکمه غیرممکن است که بدون هیچ تعبیری حاکمیت خود را حفظ کنند؛ زمانی که یک بحران، به این یا آن شکل، در میان «طبقات بالایی» وجود دارد، بحرانی در سیاست طبقه حاکمه که منجر به شکافی می‌شود که به‌واسطه آن ناراضی‌تبی و خشم طبقات ستمدیده به انفجار می‌رسد. برای صورت گرفتن یک انقلاب، معمولاً کافی نیست که «طبقات پایینی نخواهند» به روال پیشین زندگی کنند؛ این نیز ضروریست که «طبقات بالایی قادر نباشند» به روال پیشین به حیات خود ادامه دهند.



۲) زمانی که رنج و نیازمندی طبقات ستمدیده بیش از حد معمول شده است.

۳) زمانی که، در نتیجه عوامل بالا، افزایش قابل توجهی در فعالیت توده‌ها وجود دارد، توده‌هایی که در «دوره صلح و آرامش» بدون گله و شکایت به خودشان اجازه می‌دهند غارت بشوند، اما در دوران پر تلاطم و توفانی، هم به واسطه هر یک از شرایط بحران و هم به واسطه خود «طبقات بالایی» به‌سوی کنش مستقل تاریخی کشیده می‌شوند.

به‌عنوان یک قانون کلی، بدون این تغییرات عینی، که نه تنها از اراده گروهها و احزاب جداگانه بلکه حتی از اراده طبقات جداگانه هم مستقل هستند، یک انقلاب غیرممکن است. جمع تمام این تغییرات عینی، موقعیت انقلابی خوانده می‌شود... اما هر موقعیت انقلابی منجر به انقلاب نمی‌شود؛ انقلاب تنها از درون آن وضعیتی سر بلند می‌کند که در آن تغییرات عینی اشاره شده در بالا با تعبیری ذهنی همراه شود، یعنی توانایی طبقه انقلابی برای دست زدن به عمل انقلابی به قدر کافی نیرومند باشد تا حکومت قدیمی را در هم بشکنند.»

گویی این بخش از نوشته لنین در توصیف شرایط کنونی ایران است و چه کج اندیش و تهی مغز هستند نیروها و دسته جاتی که با نام «چپ» هنوز وجود شرایط انقلابی را انکار می‌کنند.

باری باید تأکید کرد که تاریخ را مردم می‌سازند. انقلاب را مردم به ثمر می‌رسانند. رویدادهایی که شرایط بحرانی ایران امروز را رقم می‌زند که به آن شرایط انقلابی یا بحران انقلابی می‌گوییم مانند ساختمانی یا بلوکهای از پیش ساخته شده نیست. این جنبشهای اجتماعی برون آمده از زیر پوست جامعه، این شرایط را به وجود آورده‌اند.

این خیزشها نشان می‌دهد که طوفانی برای تحولات بزرگ که گام اول آن سرنگونی رژیم استبداد دینی است، در روانشناسی مردم به جوشش درآمده است. تعادل نابرابر بین رژیم سرکوبگر با مردم کنشگر به هم خورده است.

وزش طوفان انقلاب به رسانه‌های حکومتی هم کشیده شده است. با توجه به وقت کم به یکی از آنها اشاره می‌کنم. سرمقاله روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی در «۲۸ آذر» از انقلاب با برهنه‌ها علیه طبقه اشراف حرف می‌زند. و می‌نویسد که «اگر وضعیت این طور ادامه پیدا کند بروز آن حتمی است.» باور به انقلاب و سرنگونی به امری مشخص و نه کلی روی میز همگان است. این را خود رژیم از همه بیشتر درک کرده است.

صحبت از تشدید تضاد مردم با هیات حاکمه و نبود هیچ راه حلی برای برون رفت از وضعیت فلاکت بار کنونی با وجود این رژیم و یا این که مردم این رژیم را نمی‌خواهند حرفهای اثبات شده و بعد از قیام آبان دیگر قدیمی شده است. کف خیابان چیز دیگری می‌گوید. تحصن کشاورزان در وسط زاینده رود، تداوم آن و حمایت صدها هزار نفری مردم از فراخوان کشاورزان. حرکت‌های اعتراضی سراسری و گسترده معلمان و فرهنگیان و بازنشستگان... باوجود سرکوب و دستگیریه‌ها خشم مردمی را نشان می‌دهد که خیابان را برای اعتراض انتخاب کرده‌اند.

جامعه برای تغییر بنیادین از جنس سرنگونی به پا خواسته است. دستاورد قیامهای مردم و کنشگران زاینده رود کشیدن خط باطل بر رژیم است. مردم می‌خواهند سرنوشت خود را خود به دست بگیرند. شوراها به پا کنند، انتخابات آزاد برگزار کنند. تبعیض مذهبی، جنسیتی، قومی و ملی را برانزدند و نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی بنا کنند. از این رو ما همگام با مردم علیه همه نهادها و جریانها و کسانی هستیم که مانع رسیدن مردم به آزادی هستند.

در شرایط بحران انقلابی دو قطب اصلی وجود دارد. وسط معنا ندارد. قطب جنبش تغییر بنیادین و سرنگونی رژیم و قطب دیگر حاکمیت با همه دسته بندیها و باندها و کسانی که در حفظ این رژیم منافع دارند. بله هر ایرانی می‌تواند در یک جبهه ثبت نام کند و بسته به این که خود را در کدام صف ببیند، چشم‌انداز را تصور کند.

### اما چشم انداز

اولین نکته که در این مورد می‌توان با قطعیت گفت بحران انقلابی تداوم خواهد یافت. مردم آگاه تر و جنبشهای مطالبه گر متشکل تر خواهند شد. شرایط به عقب برنخواهد گشت. تعادل بین مردم و رژیم به هم خورده است. رفیق امیر پرویز پویان به درستی گفته است که «تاریخ توالی فصول نیست، توالی چشم‌اندازهای بی بازگشت است.»

جوان سازی و سیاست یکدست سازی خامنه‌ای در اول گام شکست خورده و رژیم نمی‌تواند بحران را به سود حکومت حل کند. بلکه یکدست سازی شکاف درون قدرت حاکمه را بیشتر کرده است. حذف و جراحی درون حکومتی به ریزش امت حکومتی که پایه رژیم را تشکیل می‌دادند، کمک کرده است.

سوال مهم در این زمان چنین است: آیا رژیم خود به خود فرو می‌پاشد یعنی زوال پیدا می‌کند و یا باید آن را برانداخت؟

پاسخ ما چنین است: رژیم به خودی خود سرنگون نمی‌شود و باید آن را ساقط کرد. برای تحقق انقلاب به نظر من نمی‌توان تاریخ تعیین کرد. اما می‌شود گفت حتمی است.

ما گفته ایم و بازهم تأکید می‌کنیم که: استفاده از تمامی اشکال مبارزه حق مسلم مردم ایران است. ایجاد هسته‌های مخفی مقاومت، تشکیل هسته‌های کوچک رسانه‌ای و خبررسانی، ایجاد کمیته‌های مخفی عمل و شوراها، هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی، ایجاد بی‌شمار کانونهای شورشی، عمل انقلابی برای سازماندهی انقلابی به منظور مداخله در امر انقلاب است.

نظام ارزشی ما همان است که رفقای فدایی بدان اعتقاد داشتند. آزادی و سوسیالیسم!

مانع تحقق آن ارزشهای انسانی، در شرایط کنونی، در مرحله اول استبداد مذهبی بر اساس ولایت فقیه با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن است. ما برای برداشتن این مانع برای سرنگونی نظام حاکم مبارزه می‌کنیم و برای کم کردن هزینه آن به شورای ملی مقاومت ایران پیوستیم و بر حقانیت این راه پافشاری می‌کنیم. سپاس فراوان که وقت تان را به من دادید.



## زندگی

## قیام زحمتکشان

## آتش آرمان خلق

## فتح الله کیائیهما

زندگی در روزهای ابری  
زندگی در روزهای بارانی  
زندگی در روزهای برفی

زندگی در روزهای خنده و شادی  
زندگی در روزهای عاشقی و بیقراری

زندگی در همه ی روزها زندگیست.

اما

زندگی در اعتراض خود چیز دیگری است.

زندگی! زندگیست

در پشت میله ها

و یا در اسارت سیمهای خار دار

در نه گفتن

به هر چه پستی و نا انسانی است

و یا عشق ورزیدن به دیگران.

دیگرانی که هرگز

سیر نخواهید اند

و هر گز طعم بوسه ای را

نچشیده اند.

زندگی در اعتراض اما

خود چیز دیگری است

زندگی زیباست

وقتی بال در بال طوفان پرواز می کنی

لبخند می زنی و به

ابرهای تیره با خشم می نگری

و خوب می دانی که

هیچ رعد و برفی را

توان مقابله با تو نیست.

زندگی با شکوه می شود

وقتی بازو در بازوی رفیق

در برابر ظلم می ایستی و

از خشم و کین تفنگ ها هراسان نمی شوی.

مغرورانه در خیابان سرت را بالا گرفته و با لبخند

فریاد می زنی:

من از تبار بیشمارانم

از تبار براندازان

و ینک بنگرید در کنارم

رنجبران

انبوه انبوه ایستاده اند.

زندگی زیباست در لبخند مادران

مادران نستوه و استوار

که با خشم و کین

دژ خیم را به سرنگونی وعده می دهند.

آری

زندگی در کنار آنها

خود چیز دیگریست

## امید امیدوار

(تقدیم به دهقانان زاینده رود، جنبش کارگری و قیام  
زحمتکشان)

چرا زورق زاینده رود به گل دین نشست  
چرا قیام زحمتکشان در خون نشست  
وقتی کارگران به کمند جلاد فتاده اند  
تفنگ سیاهکل برآفرامز و بیرق سرخی به دست.

دیگر فرزند کارگر با نان دهقان قد نمی کشد  
دیگر غرور دهقان بر خاک زمین سد نمی کشد  
دیگر زمین از زراعت پشیمان شده  
دیگر آب بر روی زمین سد نمی کشد.

وقتی از طبیعت به ماورای طبیعت پناه می بری  
وقتی با آسب صاحب مرده اضافه بار می بری  
از من سراغ فرزند دلیر و گرد مپرس  
وقتی از ترس پونه به دامن مار پناه می بری.

وقتی مادر ستار در ماتم است  
وقتی ندا آقا سلطان در خون شکست  
از من میخواه بدون تفنگ به میدان آیم  
وقتی گلوی نوید افکاری به چوبه دار نشست.

وقتی که نغمه و ساز در کنار جویبار نیست  
وقتی که زمین در حال کشت و کار نیست  
چگونه مست ومغرور باشم با جامی شراب  
وقتی که شیرین در آغوش فرهاد نیست.

اکنون قلم وشعر و تفنگ به جولان آمده  
چریک و هنرمند و کارگر به میدان آمده  
وقت است عرصه را بر شیخکان نمایم تنگ  
دوران بربریت و حکومت دین به پایان آمده.

در خرمن گیسوی یار شانه بشکنیم  
در چشمان فتن آزادی موج بیفکنیم  
گهواره لالائی عشق را بیوئیم و  
در سرزمین ایران طرحی نو درافکنیم.

ای فقر لعنتی افشایت می کنیم  
هیولای هزار سر بی حیایت می کنیم  
دندان تیز خونریزت خواهیم کشید  
ما زیست سوسیالیستی را هدایت می کنیم.

داستان فقر، قد عمر طولانی است  
در کنارش هر چه هست نادانی است  
فقر و ثروت هر کدام یک واژه است  
بین آنها یک دنیا ویرانی است.

کی گفته پادشاه باشد کنار یک گدا  
کی گفته کوخ باشد کنار کاخ بنا  
بین کوخ و کاخ دره ایست خیلی عمیق  
پرچم سرخ عدالت را نمایم در هوا.

جاهلان دولت دینی، مهارت می زنیم  
جامه ات خواهیم درید، افسارت می زنیم  
نیش زشت و خونخوارت خواهیم کشید  
در غار تاریخ، عهد بوق، زنجیرت می زنیم.

همگی در کوه صحرا می کنیم یک دست صدا  
در میان شهر و روستا، دست به دست بر روی پا  
سفره عشق و عدالت، پهن دشت دل کنیم  
سوسیالیزم و پرچم سرخ اش نمایم در هوا.

۱۷ بهمن ۱۴۰۰

## م. مهین

خواب بهار دره های جنگل را

بی صدا دزدیدند

و زمستان را هار کرده اند

با قدم های آهنین و دستانی گره زده

به آهنی سترگ و بی رحم

تیکا بر بلندای افرای پیر

سرد و

پیوسته

هی

می خواند

برف نشست بر شانه های شاخسار رزمندگان جوان

چشم هاشان در انتظار طلوعی دوباره است

و خودشان

به فکر راهایی تن

فدا شدن خلق

چه سرمای سرکشی

در بهمن سیاهکل!

آتش آرمان خلق

غایت آزادی این جوانان به خشم و عشق

از سرکشی سرمای جنگل سرد برفی

بیشتر است

رزمندگان جوان

این کفن پوشان از خود رسته

اینگونه در گوش جنگل

سرود جنگل می خوانند:

-سر اومد زمستون

شکفته بهارون"

بهمن ۱۴۰۰



## پیامها به مراسم گرامیداشت پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

## پیام جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی

پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل را به مبارزان جنبش «نان، کار، آزادی» تبریک می گوئیم. یاد و خاطره رفقای که در راه رهایی و سوسیالیسم جان فدا کردند همیشه ماندگار است. قیامها و خیزشهای چند سال گذشته نشان می دهد که مردم ایران و به خصوص تهیدستان و بی چیزان اراده کرده اند که برای تحقق حقوق انسانی خود به مبارزه ادامه دهند. تردید نداریم که رژیم تبهکار حاکم بر ایران به دست اکثریت قاطع مردم سرنگون خواهد شد. در این پیکار کارگران، فرودستان و توده های محروم نقش اساسی در این راه خواهند داشت. زنده باد انقلاب، زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی/ بهمن ۱۴۰۰

## پیام یک جوان

در پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل بار دیگر اعلام می کنیم که راه عدالت و راستی که رفقای سیاهکل آغاز کردند را ادامه می دهیم. پیمان بسته ایم با آنان که جانشان را در راه عدالت خواهی فدای بازماندگان و نسلهای آینده کردند. جوان ایرانی بهمن ۱۴۰۰

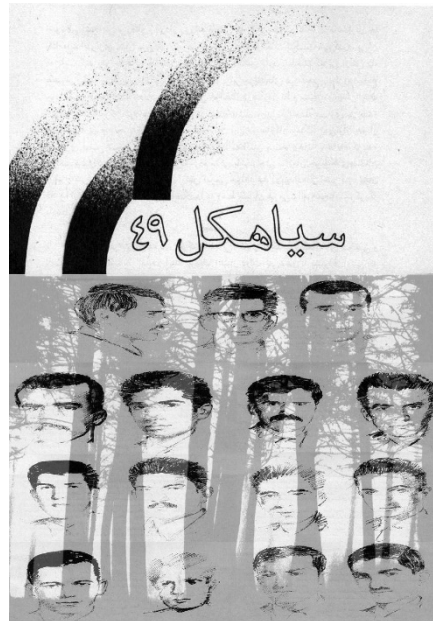


## پیام زندانی سیاسی سابق

سراسر جهان، شیزده، تیره بود، از ازل سرد بود به گسترده گیتی و آسمان شبنم از درد بود که تا موعد پشماران و افتابکاران جنگل رسید سیه کل سراغز پیمان جاوید چند مرد بود

به نام عدالت و برابری دوباره چرخ روزگار چرخید و به لنگر روزان خود رسید. روزی که نور زاییده شد. روزی که افتابکاران جنگل در پهناور تیره روزگار، بذر نور کاشتند. و این بذر هر روز جوانه آزادی اش گل می کند و خفقان ظلم و جور ز رایحه عطری و دلنوازش زدوده می شود. و امروز پس از سالها ریشه این بذر پاک که زاییده افکار و اندیشه پاک مردان پاک و بیباک زمانه بود به سراسر این خاک مصیبت زده، خاک پاک وطن دربندمان رسوخ کرده و دیر نیست تبلور روز رهایی. آری امسال هم مقتدر به برگذاری بزرگداشتی دیگر برای سالگشت قیام سیاهکل شدیم.

بقیه در صفحه ۱۱



## پیام برخی از فعالان جنبش دانشجویی ایران

نبرد حماسی سیاهکل را گرامی می دارند درود فراوان و پیام تبریک به پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل و با گرامیداشت یاد و نام تمام مبارزان راه آزادی، کسانی که رفتند اما یاد و نام شان در قلب تمام ستمدیدگان عالم، آزادیخواهان و جنبش دانشجویی فعال داخل کشور سالیان سال است که زنده و پایدار مانده است. جوانان و مبارزان راه آزادی همیشه سعی کرده اند به هرطریقی که شده صدای اعتراض خود را به جامعه جهانی برسانند و هیچگاه در برابر حکومت ظلم و ستم و نیروهای تروریست و وحشی اسلامی سکوت نکرده و نخواهند کرد.

ما جوانان و دانشجویان ادامه دهنده راه مبارزان آزادی و زنده نامان رستاخیز سیاهکل بر این باوریم که نباید نیروهای جنبش اسلام سیاسی در هر کجای دنیا به قدرت برسند، نباید به رسمیت شناخته شوند و باید با آنها مبارزه کرد تا از قدرت سیاسی ساقط و سرنگون شوند؛ حال چه جمهوری اسلامی باشد و چه طالبان و هر حکومت اسلامی دیگری.

وضع امروز حکومت جمهوری اسلامی و اعتراضات و اعتصابات گسترده نشان می دهد این جنبشها صرفا برای تحقق خواسته ها و مطالبات نبوده بلکه فریاد مردم بر سر نخواستن و سرنگونی رژیم است. از این رو اتحاد و همستگی جوانان و نیروهای آزادیخواه در داخل و خارج از ایران می تواند ما را در کوتاه ترین زمان به آرمانها نزدیک و سرنگونی رژیم اسلامی را رقم زند.

انرژی و همراهی ما جوانان داخل کشور همواره با شما عزیزان و دست اندرکاران برپایی رستاخیز سیاهکل خواهد بود تا سرنگونی و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی.

برخی از فعالان جنبش دانشجویی ایران بهمن ۱۴۰۰

تعدادی پیام از سوی رفقا و دوستان عزیز دریافت کرده ایم. ضمن تشکر از همه آنان متن کامل پیامها به ترتیب حروف الفبا به قرار زیر است:

امید برهانی/ برخی از فعالان جنبش دانشجویی ایران/ جمعی از پشتیبانان جنبش فدایی/ جوان ایرانی/ زندانی سیاسی سابق/ کارن/ کانون همبستگی ایرانیان - مونیخ/ مرجان/ م. وحیدی (م. صبح)/ معلم لرستان

## پیام امید برهانی

رفقای مبارز گرامی!

این نه یک مانیفست و یک شعار حماسی و احساسی، بل که واقعیت، مشاهده شده و اثبات شده در جامعه شناسی، تاریخ و روان شناسی اجتماعی است که در تاریخ اقوام و جوامع، از دیرباز تا معاصر، هر هنگام که حاکمیت ها اساساً تعریف، از حقوق، پایه و اساسی ملت ها ( کار، مسکن، آموزش، درمان، محیط زیست، هوا و آب سالم، و از همه بالاتر حق آزادی بیان، و اعتراض، برای دستیابی به این حقوق ) را در قاموس خود نداشته، پذیرای فرم نبوده و یا حتی دانسته به سرکوب بیان، این مطالبات می پردازند، فرم های رایج دموکراتیک و مدنی اعتراضات به فرم های رادیکال چون نبرد مسلحانه، اغتشاش، و نهایتاً انقلاب منتهی می شوند.

شکل گیری سازمان ها و گروه های با مشی مبارزه ی سیاسی، و مسلحانه، و برنامه ریزی و اقدامات ایشان در عرصه ی میدانی و عملیاتی را می توان در این بستر توجیه نمود و آنها را به نوعی الگو و موتور محرکه و یا دست کم همراه و در کنار اعتراضات جمعی و انقلاب های مردمی دید. از این رو می توان، جنبش مسلحانه ی سیاهکل ( که در واقع نقطه ی زایش، و بالندگی، سازمان، پیش، آهنگ چریک های فدایی خلق بوده ) را گونه ای هشدار و اعلام جنگ به رژیم پادشاهی، و حرکت، در انگیزش، توده ها در ایران، برای استمرار مبارزه با آن رژیم، در بستر و معاصر با ظهور مبارزات عدالت خواهانه ی افراد، احزاب و گروه های چپ با دیکتاتوری های فردی، سلطنتی و سرمایه داری در خاور میانه، آفریقا و آمریکای لاتین در نیمه دوم قرن بیستم تلقی نمود.

یاد آوری و یاسداشت حماسه سیاهکل در هر بهمن، برخاطره، بهانه ای برای روشن نگاه داشتن سمبولیک شعله مبارزه در راه دادخواهی، و فرصت، برای تحلیل شرایط و یالش، های امروزی، مبارزه است. در این راه برقرار و بیروز باشید.

امید برهانی

بهمن ۱۴۰۰

سلام بر قهرمانان سیاهکل  
سلام بر کانونهای شورشی  
زنده باد خلق رنجیده و ستمکشیده ایران  
م. وحیدی (م. صبح) - بهمن ۱۴۰۰

oooooooooooo

### پیام مرجان

گوزن دیلمان  
گوزن دیلمان بر قله کوه  
تماشا می کند بوران و طوفان  
به شاخ پیچ در پیچ اش دهد تاب  
تش خیس از مصاف برف و باران

به یاد تابش خورشید سوزان  
به یاد جنگل سبز بهاران  
به بوی دامن گلزار لاله  
به امید گذشتن از زمستان

دلش بی تاب رود پر طلاطم  
که پیوندد به دریای خروشان  
زمین برف آسمان برف بامها برف  
ز چنگ گرگها تا کی گریزان  
خیالش همره خیل سواران  
همان افسانه های کوهساران

رهانند صید را از بند هر دام  
و می جنگند با خونخواره گرگان

دوباره خنده شاد پرند  
دوباره آهوان در سبزه زاران

صدایی ناگهان در کوه پیچید  
صدایی شوم و وحشتنا و غران  
تن نرم گوزن دیلمان شد  
زیبیداد گلوه، لاله زاران

مرجان - بهمن ۱۴۰۰

oooooooooooo

### پیام یک معلم

رفقا، دوستان، ییکارگران راه رهایی، امروز در آستانه پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل هستیم. در چنین روز بدر مبارزه علیه دیکتاتوری و ستم توسط پیشگامان رهایی خلق کاشته شد. حال در این دوره از تاریخ خونبار میهن این بدر به درخت تنومندی تبدیل شده که ریشه هایش در میان کارگران و زحمتکشان و مزدگیران تنیده شده و لرزه بر اندام دیکتاتوری انداخته است. در این برهه از تاریخ مبارزه سراسری زحمتکشان میهن و رزمندگان رهایی، به مبارزه بر علیه جنایتکاران برخاسته اند. بنا بر این وظیفه نیروهای بالنده و پیکارجو حمایت و پشتیبانی از این مبارزات است تا بتوانیم طومار زندگی ننگین اشغالگران میهن را در هم پیچیم. گرامی باد یاد و نام رزمندگان راه رهایی

مرگ بر امپریالیسم و نوکران وابسته اش با هر نام و عنوان  
زنده باد خلق، پر توان باد مبارزات بی امان رزمندگان راه رهایی

معلم لرستان  
بهمن ۱۴۰۰

## پیامها به مراسم گرامیداشت پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل



### پیام م. وحیدی (م. صبح)

در امتداد سیاهکل  
در سالگرد رستاخیز سیاهکل

درختی افتاد

درختی دیگر

سر برآورد

جنگل

آینه رزم

غرش پلنگان شب ستیزی

که در بی صدایی برف

روشنایی را

ترسیم می کردند

جویهای ابریشمی

کز خیال شان

مرغان سرکش دریایی

به پرواز در می آیند

حماسه سیاهکل پدیده ای پر اهمیت و کم نظیر در تاریخ معاصر ایران بود که هنوز جریان دارد و به حیات خویش ادامه می دهد. جنبشی همیشه فروزان و خاموشی ناپذیر که الهام بخش همه مبارزان و رزمندگان و نیروهای مترقی و انقلابی است.

شهادت فدایی، بهار آفرینانی که تلاش کردند به جای «تفسیرجهان، آن را تغییر دهند» و نقش تاریخی خود را به زیباترین شکل ایفا کنند. رژیم ستمشاهی اگرچه در تاکتیک موفق به سرکوب جنبش شد؛ اما در استراتژی شکست خورد و گور تاریخی خود را با دست خود مهیا نمود. خون پاک شهدای فدایی در رگ و پود جامعه دوید و سلولهای خفته را بیدار نمود و به حرکت و جنبش خود ادامه داد.

صلابت، زیبایی و استحکام این حرکت کم نظیر و خالقان اسطوره ای آن امروز در عزم و رزم «کانونهای شورشی» در سراسر ایران جاریست و بی تردید در مسیر تکاملی خود سرنگونی فاشیسم آخوندی را رقم خواهد زد. سپیده دم آزادی در راه است و شب سیاه و ظلمانی رژیم آدمخواران آخوندی به پایان خود نزدیک می شود.

بقیه از صفحه ۱۰

رفیقان پاک سرشت و همزمان روشن ضمیر، پنجاه و یکمین سالگشت قیام بزرگ و جاودان سیاهکل را به رسم هر سال دوباره با آرمانهای فدایی، مسروانه و مفتخرانه به گرد هم می آیم تا باز هم بنیان بی بنیان ظالمان و ددمشنان و حاکمان سیهکار و تهپکار روزگار را به سختی بلرزانیم. امید به روزی که ریشه این رسوایان زمانه را برای همیشه بخشکانیم و جای آن میوه های عدالت و مساوات و برابری و برادری را از شاخه های گسترده گیاه قیام سیاهکل که امروز درخت قطور و پهناورست بچینیم.

یاد یکایک نقش آفرینان سیاهکل و رفیقان شهیدمان گرامی و راهشان پررهرو  
رندانی سیاسی سابق

### پیام کارن

امسال بیاد دایی من که دوران دانشجویی اش همزمان با رفیق کبیر صفایی فراهانی در یک دانشگاه بودند، یادگاری را کنار گذاشته ام تا روزی به سازمان تقدیم کنم.

بیش از نیم قرن سربلندی، افتخاری است برای آزادگی، بزرگترین افتخارم از دوران تربیت پذیری با خانواده بزرگی آشنا شدم، گویا خود زاده ای از تربیت ذاتی ام بوده، ایمان دارم تا لحظه مرگ ام به آرمان خانواده فدایی وفا دار باشم.

پنجاه و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل مبارک  
آینده از ماست، بی کم و کاست  
قربان شما کارن

بهمن ۱۴۰۰

### پیام کانون همبستگی ایرانیان - مونیخ

فرا رسیدن پنجاه و یکمین سالگرد بنیان گذاری سازمان چریک های فدائی خلق ایران را به یکایک شما رفقا شادباش می گوئیم. نوزدهم بهمن، روز پرتو افشانی شراره های تابناک انسانیت از جنگل سیاهکل بر سراسر ایران زمین و روز عصیان در برابر ستمگران مستبد و دست ردی بر سینه سکوت و تسلیم و تمکین در برابر دیکتاتوری حاکم بود شما آیدیدگان میدانهای نبرد بسیاری هستید. شما را بارها زمین زده اند و هر بار باخاسته اید. اگر با سرکشیدن جام شوکران آغاز کرده اید، اما با بالا بردن پرچم سرخ رهایی، آنرا به پایان خواهید رساند.

یادبود ۱۹ بهمن، فرصتی برای ادای احترام به صدها آزادزن و آزادمردی است که جان شیفته خود را فدای آرمان های آزادی و برابری نموده و جای جای ایران، از جنگل های سیاهکل گرفته تا زندان ها را به عرصه نمادهای غرورانگیز ایستادگی تبدیل کردند.

رفقا و یاران

پنجاه و یک سال پس از حماسه سیاهکل، با شما در رزمی بی امان برای فردائی بهتر هم پیمان می شویم، فردائی که در آن، هیچ سری بالای دار نرود، هیچ قلمی را نشکنند، هیچ صدایی را در گلو خفه نکنند، هیچ کودکی از مسکن، غذا، بهداشت و تحصیل محروم نباشد، با هیچ زنی چون "جنس دوم" برخورد نشود و هیچ انسانی را از آموزش زبان مادری محروم نکنند. این آرزوها روشن کننده راهی است که در ادامه مسیری که پنجاه و یک سال پیش آغاز شد، می رویم.

کانون همبستگی ایرانیان مونیخ / بهمن ۱۴۰۰

# نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی  
هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی  
هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع  
همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه  
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

**NABARD - E - KHALGH**

No : 447/ 8 FEB 2022

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard\_khalg --- [https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

نقاشی ارزنده که از طرف یار وفادار سازمان،  
آقای محمد قربانی به همایش اهدا شد.



می گذرد در شب  
آنبته رود  
خفته هزاران گل  
در سینه رود  
به یاد حماسه  
سیاهکل

## آن عاشقان شرزه

محمد رضا شفیعی کدکنی

آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریادشان تموج شط حیات بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند  
مرغان پر گشوده ی طوفان که روز مرگ  
دریا و موج و صخره بر ایشان گریستند  
می گفتی ای عزیز! سترون شده ست خاک  
اینک ببین برابر چشم تو چیستند  
هر صبح و شب به غارت طوفان روند و باز  
باز آخرین شقایق این باغ نیستند



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم